

گفت‌وگوی «شبکه شرق» با مهدی کوهیان، کارشناس ارشد حقوق ارتباطات و عضو کمیته پیگیری دستگیری هنرمندان:

حکم‌های ممنوع‌الکاری هنرمندان غیرقانونی است



فرانک آرتا

مهدی کوهیان به‌عنوان یکی از اعضای کمیته پیگیری هنرمندان دستگیرشده در خانه سینما علاقه نداشت از جایگاه حقوقی خود صحبت کند؛ چون اعتقاد داشت طرح مسائل مربوط به هنرمندان بازداشتی از نظر حقوقی تا قبل از صدور حکم قطعی جایز نیست و اشکال حقوقی دارد و هم از نظر اخلاقی بیان مسائل شخصی افراد- بدون رضایت فرد - نقض حریم خصوصی افراد است. او که فارغ‌التحصیل رشته حقوق است، سعی کرد از جایگاه یک فرد حقیقی که مسائل سینمای ایران را دنبال می‌کند، به سوالات ما پاسخ دهد. هرچند در میان صحبت‌های خود به‌طور مصداقی جواب‌گوی برخی از سوالات ما شد. او در سینما تهیه‌کنندگی چند مستند را نیز در کارنامه خود دارد.



◆ این روزها در خانه سینما چه می‌کنید؟

اتفاقات اخیر و اتهامات موجود در سطح جامعه باعث شد هنرمندان به‌عنوان یکی از اقشار جامعه درگیر موضوعاتی شوند که برای‌شان مشکلاتی ایجاد شود که البته نیازمند حمایت هستند. «خانه سینما» به‌عنوان یک نهاد صنفی طبق اساسنامه‌اش باید از حیثیت حرفه‌ای و شان فرهنگی اعضای خود صیانت و حمایت کند. ما هم فعلا مشغول پیگیری و حفظ این شان فرهنگی هستیم.

◆ تحلیل‌تان از وقایع چند ماه گذشته چیست؟

بنا بر عقیده جامعه‌شناسان واقعی‌ه که به‌تازگی درگیرش هستیم، محصول یک‌سری از اتفاقات قبل و کاستی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی طی سال‌هاست. اگر نهادهای مدنی قوی برگرفته از بطن جامعه داشتیم که در شرایط بحرانی نقش خودشان را به‌درستی ایفا می‌کردند، شاید شاهد کشته‌شدن عزیزانی از هر دو طرف (نیروهای امنیتی و مردم) نمی‌شدیم. وقتی در جامعه‌ای حزب و گروه‌های سیاسی اجتماعی فعال باشند و به‌عنوان حلقه‌های واسط بین مردم و حاکمیت بتوانند نقش‌شان را درست ایفا کنند، درآن‌صورت گفت‌وگو شکل می‌گیرد و اصلا وارد این اتهامات نمی‌شوند. سینما هم از این قاعده مستثنا نیست. در «خانه سینما» به‌هرحال سینماگران با موضوعات اجتماعی در ارتباط هستند. سینمای ایران یک سر و گردن در سطح جهانی بالاتر از جاهای دیگر است و جایزی که کسب کرده، نشان می‌دهد فقط سینمای سرگرمی‌ساز نبوده. سینمای اجتماعی‌مان جایز جهانی کسب کرده؛ یعنی فیلم‌ساز ایرانی نمی‌تواند خارج از اجتماع خودش رفتار کند یا خودش را تافته جدابافته بداند و همراه جامعه نباشد. اگر هم همراه نشود، فیلمی که می‌سازد، مورد توجه نخواهد بود؛ چون دور از چیزی است که در بطن جامعه اتفاق می‌افتد. پس سینمای ایران سینمای آگاهی‌بخش است، نه سینمای سرگرمی؛ بنابراین فکر می‌کنم اگر فیلم‌ساز و هنرمند سینماگر در وقایع اجتماعی حضور پیدا کرده و اظهارنظر کرد، درواقع دارد نقش اجتماعی‌اش را ایفا می‌کند؛ یعنی نقشی که در سینما دارد، از مسئولیت اجتماعی‌اش جدایی‌ناپذیر است. این کلیتی است که به‌عنوان مقدمه می‌گویم که چرا هنرمند حضور پیدا کرده. به‌هرحال رفتارهای انفرادی که اشخاص بروز می‌دهند، تحت هیجانات، برداشته‌ها و جهان‌بینی‌های مختلف انجام می‌شود. به نظرم «خانه سینما» و سایر نهادهای صنفی نقش اجتماعی‌شان کم‌رنگ شده؛ یعنی اگر بزنگاه‌ها و نقاط بحرانی، در جاهایی که نهادهای مدنی باید ورود کنند و نقش‌شان را ایفا کنند، اگر درست این نقش را ایفا می‌کردند، افراد به‌صورت انفرادی کمتر عکس‌العمل نشان می‌دادند؛ چون «عقل جمعی» توانسته واکنش نشان دهد و احتمالا این «عقل جمعی» که محصول «نهاد مدنی» است، کمتر هیجان‌زده می‌شود، کمتر تحت تأثیر اتفاقات روز و لحظه‌ای قرار می‌گیرد و در اظهارنظرات پخته‌تر عمل می‌کند. اگر سینماگران حضور به‌موقع و معقول را در خانه سینما می‌دیدند، می‌توانستند بگویند این حرف همان چیزی است که ما هم می‌خواستیم بگوییم و به نظرم این مشکلات به وجود نمی‌آمد. همین نکات درباره خانه‌تئاتر، خانه موسیقی و هر نهاد مدنی دیگر هم صدق می‌کند.

◆ اگر درست متوجه شده باشم، منظورتان این است که در درجه اول باید نهادهای مدنی و اصناف در این زمینه بیشتر فعالیت می‌کردند و نهادهای بالادستی آنها را به رسمیت می‌شناختند تا بین آنها گفت‌وگو شکل بگیرد و اگر چنین می‌شد، دیگر جامعه این همه هزینه نمی‌داد؟

دقیقا. اجازه دهید بحث را به مسائل سیاسی و اجتماعی

کشور ببرم. به‌تازگی با یکی از مسئولان که دیدار داشتم، گفتم من که یک دانشجوی ساده معمولی هستم، وقتی می‌بینم در انتخابات ریاست‌جمهوری پنجاه و چند درصد مردم شرکت نمی‌کنند و تعداد زیادی آرای باطله بیرون می‌آید، سوالات زیادی برایم پیش می‌آید که چرا چنین شده؛ درحالی‌که قانون اساسی ما می‌گوید: «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود».

◆ ضمن اینکه همیشه میزان، رای ملت است.

بله، صراحت قانون اساسی ما این است که کشور باید با اتکا به آرای عمومی اداره شود؛ یعنی عموم مردم در سرنوشت‌شان دخالت داشته باشند. وقتی این انتخابات برگزار می‌شود، من دانشجو و کسی که کمی حقوق خوانده، می‌فهمیم جامعه زمینه یک اتفاق مهم و تحول‌ناگهانی است.

◆ به عبارتی یعنی در جامعه اتفاقی افتاده که دیده نشده یا یک‌سری حقوق حقه در محاق‌اند؟

دقیقا. می‌خواستم به همین نکته اشاره کنم که احزاب کارایی خودشان را از دست داده‌اند. در کشور احزاب سیاسی نداریم که بتوانند اینها را مطالبه کنند و کم‌کم وقتی این گروه‌های مرجع کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر می‌شوند که شده‌اند، نهادهای مدنی و گروه‌های دیگری مثل مشاهیر پررنگ می‌شوند و مردم به آنها رجوع می‌کنند؛ مثل ورزشکاران و هنرمندان مشهور. در چند سال گذشته همین هنرمندان و ورزشکاران مشهور را سعی کرده‌اند با واژه منفی سلبریتی از اهمیت و اعتبارشان در جامعه بکاهند؛ یعنی بار منفی به این اشخاص مشهور بدهند تا همه چیز از مردم گرفته شود. در نتیجه همه راه‌های بیان اعتراض و نظرات مخالف بسته شده. یکی از بازیگران معروف به من گفت یک نفر در خیابان آب دهان انداخت و به من گفت چرا همراه مردم نمی‌شوی؟! یعنی اتفاقا برخلاف چیزی که گفته می‌شود، مشاهیر و به قول خودشان سلبریتی‌ها مردم را جهت‌دهی کردند و به خیابان آوردند یا اعتراض‌های‌شان را تقویت کردند. این مردم بودند که اعتراض کردند به کسانی که با توجه همین مردم به جایگاه مشهوری رسیده‌اند، همراه‌شان باشند. حداقل می‌توانم ۱۰، ۱۵ نمونه این چنینی بیاورم که در خیابان با مشاهیر برخورد شده. به یکی از خانم‌ها گفته بودند چرا روسری‌ات را برنمی‌داری و ایشان حالش بد شد که من باید چه کار کنم!

◆ یعنی منظورتان این است که در اتفاقات اخیر هنرمندان از مردم دنباله‌روی کردند تا برعکس آن؟

بله، اتفاقا این جامعه بود که هنرمندان را با خودش همراه کرد. بااین‌حال نهادهایی معتقدند هنرمندان و بازیگران بودند که خط‌دهی و لیدری کردند و آنها مردم را تشویق و ترغیب کردند که اعتراضات خیابانی داشته باشند.

◆ البته وقتی با برخی از هنرمندان صحبت می‌کردم، چنین نظری داشتند که دنباله‌رو مردم بودند.

بله، مردم، هنرمندان را همراه خودشان کردند؛ اما برخی از نهادهای امنیتی ما نظر مخالف دارند و فکر می‌کنند هنرمندان لیدر اتهامات بودند. متأسفانه برای عده‌ای از هنرمندان پیوندهایی تشکیل شد که برخی در مرحله رسیدگی است و هنوز تحقیقات ادامه دارد و برای برخی رسیدگی تمام شده و منتظر اجرای حکم هستند. امیدوارم همه کسانی که در چند وقت اخیر درگیر این موضوعات شدند و خشونت‌ی نداشتند، چون خشونت خط قرمز ماست و صرفا انتقاد داشتند، تیرنه بشوند؛ چون قانون اساسی ما آزادی بیان و حق اعتراض را به رسمیت شناخته است. من و شما حق داریم به روش اداره کشور و حکمرانی معترض باشیم و انتافقا قانون امر به معروف و نهی از منکر که درمورد حجاب خیلی استفاده

وقتی در جامعه‌ای حزب و گروه‌های سیاسی اجتماعی فعال باشند و به‌عنوان حلقه‌های واسط بین مردم و حاکمیت بتوانند نقش‌شان را درست ایفا کنند، درآن‌صورت گفت‌وگو شکل می‌گیرد و اصلا وارد این اتهامات نمی‌شوند. سینما هم از این قاعده مستثنا نیست. در «خانه سینما» به‌هرحال سینماگران با موضوعات اجتماعی در ارتباط هستند. سینمای ایران یک سر و گردن در سطح جهانی بالاتر از جاهای دیگر است و جاییزی که کسب کرده، نشان می‌دهد فقط سینمای سرگرمی‌ساز نبوده.

می‌کنند، صراحتا گفته شده مردم حق دارند مسئولان کشور را امر به معروف و نهی از منکر کنند. فقط موضوع حجاب که قانون نیست، خیلی موارد دیگر در کشور قانون است که اگر از نظر شرعی رعایت نمی‌شود، برخی احکام را آقایان از نظر شرعی درست نمی‌دانند و می‌توانند امر به معروف و نهی از منکر کنند. هر رفتار غیرقانونی یا خارج از قانون یا حکمرانی غلط از نظر من مشمول این قانون می‌شود و مردم حق دارند امر به معروف و نهی از منکر کنند. حق دارند اعتراض کنند و اجتماعی مسالمت‌آمیز و بدون خشونت داشته باشند. این حق در قانون اساسی ما به رسمیت شناخته شده و به نظرم اگر واقعا مسئولان اجازه می‌دادند این تجمعات به شکل منظم می‌شود، از محکوم به متهم تبدیل می‌شود؛ یعنی می‌کردند، کار به کشته‌شدن عزیزان‌مان نمی‌کشید.

◆ درک می‌کنم که نمی‌توانید از محتوای جلسات خانه سینما و دادگاه به لحاظ حقوقی و قضائی و اخلاقی صحبت کنید، چون ممکن است در حکم‌ها تأثیر داشته باشد اما می‌خواهم بدانم صئوف در خانه سینما چطور عمل کردند و اگر مایل باشید به‌طور مصداقی درباره هنرمندان صحبت کنید. این بحث‌ها چراغ راه آینده خواهد شد. آگاهی ما باعث می‌شود صئوری در کل جامعه ایجاد شود که مردم، مسئولان، نهادهای امنیتی و قضائی و هنرمندان بتوانند مطالبات‌شان را از راه‌های غیرخشونت‌آمیز باهم در میان بگذارند؛ چون ما قرار است مسیری را با این گفت‌وگوها هموار کنیم که بتوانیم به تفاهم برسیم.

در ابتدا که کمیته حمایت حقوقی و قضائی تشکیل شد، از همان زمان بنا بر حفظ حریم شخصی افراد بود. اگر هنرمندی چیزی منتشر نکرده بود، ما هم این‌کار را نمی‌کردیم؛ چون پرونده‌های حقوقی و قضائی، حریم شخصی افراد هستند؛ بنابراین من درمورد موضوعی که هنرمندان در رسانه‌ها صحبت کرده‌اند، سخنی نمی‌گویم. این اولین شرط گفت‌وگوی اخلاقی حقوقی است. دوم اینکه ممکن است در روند حکم قضائی‌شان تأثیرگذار باشد که نمی‌توانم مسئولیت قبول کنم؛ اما به‌صورت کلی در چند وقت اخیر که گفت‌وگوهای مختلف با مسئولان قضائی داشتیم، فکر می‌کنم کم‌کم به زبان مشترکی رسیدیم؛ یعنی می‌توانیم بگوییم وقتی اینها ممنوع‌الکار، یک مجازات تکمیلی است که شخصی باید جرمی را مرتکب شده باشد، دادگاه حکم مجازات اصلی را داده باشد و صلاح دانسته باشد شخص متهم مثلا به مدت نهایتا دو سال از اشتغال به یک شغل ممنوع شده باشد. این بدون حکم قضائی امکان‌پذیر نیست. قبلا هم به روزنامه «شرق» گفته‌ام. اینکه فهرستی از سوی فلان مرجعی آمده که پاسخ‌گو هم نیست و کسی نداند چرا نمی‌تواند کار کند، قانون اساسی ما این را به رسمیت نمی‌شناسد.

◆ مثلا فهرست ممنوع‌الکاری که زمانی از سازمان سینمایی درز پیدا کرد، درواقع سلیقه‌های شخصی بوده؟

هیچ‌کدام مبنای قانونی نداشتنه. البته سازمان سینمایی هم اعلام کرد هیچ‌کدام را منتشر نمی‌کنیم و حتما باید حکم قضائی باشد. بعد از اتهامات اولیه که گفتند فهرستی هست....

◆ قبل‌ترها هم با یک‌سری اسامی مواجه بودیم که می‌گفتند ممنوع‌الکار هستند!

اینها سلیقه‌های شخصی و رفتارهای اراقانونی است. در قانون ما بر اساس اصل تناسب جرم و مجازات، اصل بر برائت آدم‌هاست، مگر اینکه خلافش ثابت شود. اصل این است که شما می‌توانید شغل‌تان را داشته باشید مگر اینکه ممنوعیت به اشتغال در دادگاه صالح صادر و قطعی شده باشد. در احکامی که صادر می‌شود واقعا هنوز ندیده‌ام کسی ممنوع‌الکار شده باشد؛ یعنی حکم گرفته باشد که شما مثلا دو سال از اشتغال به فلان شغل ممنوع هستید. حداقل من ندیده‌ام.

◆ یعنی هرچه بوده در حد سلیقه بوده و مبتنی بر قانون نبوده است؟

بله. در قوه قضائیه ندیده‌ام چنین حکمی صادر شود.

◆ از نظر حقوقی این حکم اشد مجازات است؟

خیر. مجازات تکمیلی است که قاضی تشخیص می‌دهد. درجه‌بندی هم دارد. از درجه‌ای به پایین می‌تواند مجازات تکمیلی بدهد. مثلا اگر حکم دو سال زندانی صادر شده، می‌تواند بگوید دو سال هم ممنوع‌الکار از فلان شغل باشد. بنابراین این صراحت قانون ماست. اینکه کسانی با سلایق شخصی و نظراتشان حرف‌هایی می‌زنند هم قابل پیگرد قانونی است؛ چون هیچ مقام دولتی‌ای حق ندارد حقوق و آزادی‌های مشروع مردم را با دستورات و تصمیماتش محدود کند. در دادرسای کارکنان دولت برخی مسئولان بابت دستورات غیرقانونی که داده‌اند از طرف مردم مورد شکایت قرار گرفته و برخی حکم هم گرفته‌اند.

◆ مثلا حراست وزارت ارشاد به یک نفر می‌گوید شما اجازه فعالیت ندارید، آیا این قانونی است؟

نمی‌خواهم وارد این موضوعات شوم، ولی مثالی می‌زنم. آقای نعمت‌الله آغاسی از خواننده‌های قبل از انقلاب بود. بعد از انقلاب ایشان مدت‌ها نتوانست کار کند. آن زمان به دیوان عدالت اداری مراجعه و از وزارت ارشاد شکایت کرد. رأی ایشان هم موجود است. دیوان عدالت اداری، وزارت ارشاد را احضار کرد که چرا اجازه کار نمی‌دهید. گفتند یک نهاد دیگر این دستور را داده است. گفتند به نهاد امنیتی چه ربطی دارد؟ شما مسئول هستید و اگر ایشان حکم ممنوع‌الکاری ندارد، باید بتواند کار کند. یعنی دیوان عدالت جمهوری اسلامی حکم به این داد که شما ملزم هستید به ایشان مجوز کار دهید. اگر از نظر شما همه ملزومات کار را دارد و استانداردهای وزارت ارشاد به‌معنای استاندارد جمهوری اسلامی را رعایت کرده، باید بتواند کار کند. ایشان یک کنسرت اجرا و چند هفته بعد هم فوت کرد. می‌خواهم بگویم اتفاقا در یک قوه قضائیه مستقل این موضوعات را پیگیری کنیم، حق افراد داده خواهد شد. من جزء افرادی هستم که به گفته برخی زیادی امیدوار هستم.

◆ درمینه حکم ممنوع‌الکاری آقای پناهی که ۲۰ سال ممنوع از فیلم‌سازی است، حکم قضائی بود یا کیفری؟

حکم قطعی دادگاه بود و وکیل‌شان هم با اطلاع‌رسانی کردند که البته در دیوان عالی کشور نقض شد. کلا اتهامات آقای جعفر پناهی نقض شده است؛ یعنی دیوان عالی کشور این اتهامات را وارد نداشتته و اگر خودشان خواستند رأی را منتشر می‌کنند و گفته شده در شعبه هم‌عرض مجددا رسیدگی شود؛ بنابراین الان هم آقای پناهی متهم هستند نه محکوم و درواقع هنوز حکم ممنوع‌الکاری نداریم. وقتی حکم نقض می‌شود، از محکوم به متهم تبدیل می‌شود؛ یعنی جرم اثبات‌نشده که مجازات شود.

◆ یعنی حکم قضائی هم داده نشده؟

بله. اجرای حکم طبق قانون بعد از نقض دیوان عالی کشور بلافاصله باید متوقف شود. ممنوع‌الکاری، مجازات‌های تکمیلی یا هر چه باشد، شخص باید وثیقه بگذارد یا اگر وثیقه دارد، آزاد شود و با قرار تأمین مناسب انجام شود. دیوان عالی کشور ما یک رای بسیار خوب داد؛ حکم شش‌ساله زندان و ۲۰ساله ممنوع‌الکاری، ممنوع الخروجی و ممنوع‌المصاحبه را نقض کرد. خواسته قانونی آقای پناهی، وکلای ایشان و خانه سینما این بود که ایشان باید با وثیقه آزاد شود تا بعدا رسیدگی شود که شد. ممکن است دوباره محکوم شوند و شما آزاد اتهام را وارد بدهد ولی الان ایشان متهم است نه مجرم و باید با تأمین مناسب آزاد باشند.

◆ از وضعیت خانم هنگامه قاضیانی بگویید. ایشان در فیلم‌ها نقش‌های موردتوجه مقامات مسئول را بازی کرده است؛ نقش زن شهید، زنی که در جبهه بوده و... . هنگامه قاضیانی سیمرغ بلورین گرفته و جزء هیئت‌های داوری بوده است. چه می‌شود که با چند اسنوری و بسنت اینستاگرامی دستگیری می‌شود؟

این ماجرا که فقط برای ایشان اتفاق نیفتاد؛ افراد دیگری هم هستند و اسامی‌شان مشخص است. لازم نیست اسامی را بگویم. تحلیل نهادهای امنیتی ما این است که جوان‌های جامعه به تأسی از این افراد وارد خیابان شده‌اند و اعتراض کرده‌اند. اینکه درست است یا نه، نظرم را گفتم. ولی پرونده همه آنها تقریبا از مرحله دادرسرا تمام شده و به مرحله رسیدگی در دادگاه رسیده و اگر احکام‌شان صادر شود و خودشان تمایلی به نشر داشته باشند و منع قانون نباشد، منتشر خواهند کرد.

◆ با توجه به اینکه شما در دادگاه‌ها شرکت کردید، به نظراتان آیا امیدی هست مشکل همه هنرمندان حل شود و بتوانند به فضای کاری برگردند؟ هنرمندانی که سال‌ها در جشنواره فجر جایزه گرفتند، الان حضور پیدا نکرده‌اند. می‌توان چشم‌انداز

روشنی داشت؟

اینکه کسی تحریم می‌کند، اگر به‌معنای شرکت‌نکردن باشد، می‌توانند نظر شخصی‌شان را داشته باشند. من می‌گویم این جشنواره با سرمایه‌های ملی ما اداره می‌شود. من شعار خیلی خوبی در اعتراضات جوانان دانشجو دانشگاه شریف شنیدم که می‌گفتند «سفر چرا، بمان و پس بگیر. تحریم چرا، بمان و پس بگیر». جشنواره فجر با سرمایه ما برگزار می‌شود. به نظر من این سکه دو رو دارد. بحث تحریم دو طرف دارد، یک طرف جایی که یک مسئول می‌گوید شما هنرمندان ۴۳ سال است سر سفره جمهوری اسلامی نشسته‌اید و مثلا نمک خورده و نمکدان شکسته‌اید. چنین حرف‌هایی را شنیده‌ایم. روی دوم همین داستان تحریم است. یک پاسخخ به آن مسئول این است که مگر آن پول را از اثر مسئولان پرداخته‌اند. آن‌هم پول کشور و مردم بوده و به‌عنوان یارانه فرهنگی پرداخت شده و وظیفه دولت بوده که هزینه کند و فیلم‌های فاخری تولید کند. در فرانسه، آلمان و تمام کشورهایی که می‌خواهند فرهنگ، هنر و ادب کشورشان را حفظ کنند، یارانه فرهنگی می‌دهند. اگر دولت پولی داده و فیلمی تولید شده و بازیگر کارکردانی از آن استفاده کرده، پول ملت است نه پول مسئولان. جشنواره هم همین است. مگر آقایان با سرمایه خودشان جشنواره را برگزار می‌کنند؟ از جیب مردم و سرمایه‌های ملت است و به نظر نباید میدان را خالی کنیم. اگر مبارز هستیم، اعتراض داریم و فکر می‌کنیم چیزی به ناقص صرف شده، باید حفظش کنیم نه اینکه میدان را خالی کنیم و تحویل جناحی دهیم که فکر می‌کنیم آنها جایگاه درستی ندارند یا به ناقح در آن جایگاه هستند. اگر تحریم به این معنا باشد که انگار من خانه خودم را رها می‌کنم که کسی نباید بنشیند، موافق نیستم.

◆ یکی از مشکلات سینما که خانه سینما آن را پیگیری کرده، اخیرا بحث پروانه ساخت بود. تحلیل‌تان از این موضوع چیست؟

نامه خانه سینما را خواندم. به نظرم اشتباهات استراتژیک داشت.

◆ چطور؟

چون اعتراض خانه سینما این بود که چرا آیین‌نامه‌ای را که به شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌برید، برای خواندن به ما نداده‌اید و اینکه تلوپسآ پذیرفته این آیین‌نامه در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شود که این خطرناک است. اولا شورای عالی انقلاب فرهنگی این‌طور نیست که شما منصوب‌اتش را بنا بر اتفاقات روز تغییر دهید و آنجا تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی سخت و دشوار است. الان هرچقدر قوانین و مقررات داریم یا مصوب مجلس است و نمایندگان ملت و مردم می‌توانند تغییر دهند، با هیئت وزیران که باز نمایندگان مردم نهادهای انتخابی است، آنچه ما فعلا به‌عنوان دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های فیلم‌سازی در کشور داریم، اینکه بخواهد از یک نهاد انتخابی گرفته و به یک نهاد انتصابی سپرده شود، آیا به نفع سینماست؟ به نظرم یک مشکل استراتژیک اینجا اتفاق افتاده و خانه سینما اصولا باید با تصویب هر مصوبه در خانه سینما در شورای عالی انقلاب فرهنگی مخالف باشد؛ نه اینکه بگوید قبلیش بدیدم من بخوانم و نظر بدهم! من می‌گویم وقتی می‌شود در نهادهای انتخابی و بنا بر رای و با اتکا بر آرای عمومی مردم در دوره‌های مختلف دولت و مجلسی که انتخاب می‌شود، در مورد سینما عوض کند، چرا به نهادی می‌برید که معلوم نیست برای تغییردادن چه مسیری را باید طی کند. من این آیین‌نامه را نخوانده‌ام و اگر می‌خواندم هم نمی‌توانستم نظری داشته باشم؛ چون فکر می‌کنم مرجع تصویب آن درست نیست و کار اشتباهی است که دولت انجام می‌دهد. حتی دولت با کاری که می‌کند به مشکل بر خواهد خورد. اگر فکر می‌کنند تغییری اتفاق بیفتد، در هیئت وزیران مصوبه‌ای درباره آیین‌نامه فیلم‌سازی و پروانه نمایش دارد و می‌توانند اصلاحش کنند. گویانه که من اصلا فکر می‌کنم‌ما از نظارت‌های پیشینی گذشته‌ایم؛ یعنی اینکه برای فیلم و پروانه نمایش مجوز بگیرید، دوره‌اش گذشته است. الان بچه‌های فیلم‌ساز با موبایل کوچک فیلم می‌سازند و بهترین جایز جهانی را کسب می‌کنند. حتی در حوزه سرگرمی بهترین بازخورد‌ها را از مردم می‌گیرند و برایشان هم درآمدها است. اینکه در این دوره بگویید چگونه فیلم‌نامه‌ها را بخوانیم، تصویب کنیم، دوره‌اش گذشته؛ یعنی دوره نظارت پیشینی گذشته است. یک نظارت پیشینی داریم و یک نظارت پسینی. نظرات پیشینی همین سیستمی است که اداره می‌شود و نظارت پسینی یعنی من شما آزاد سیستم کارمان را بدون سانسور و نظارت قبل از تولید انجام دهیم، حالا اگر کسی در اثرش جرمی مرتکب شد که در قانون ذکر شده باشد، در دادگاه پاسخ‌گو خواهد بود؛ یعنی همه کشورهای دنیا سمت نظارت‌های پسینی رفته‌اند. تکنولوژی هم ما را لاجرم به این سمت می‌برد. الان یک کلیپ کوچک در فضای مجازی به‌سرعت منتشر می‌شود و هزاران نفر می‌بینند. کسی هم مجوز و پروانه نمایش نمی‌گیرد. تکنولوژی به این سمت رفته که هر شهروندی بتواند استعداداش را بروز دهد و خالق اثر باشد. بنابراین این کار اشتباه است و خانه سینما و دولت باید در این تصمیم‌گیری تجدیدنظر کنند که این مصوبه را در شورای عالی فرهنگی طرح کنند. در پایان امیدوارم اتهامات کنونی فروکش کند. امیدوارم همه هنرمندان رفع اتهام شوند. شما فقط برخی افراد مشهور را می‌شناسید، بسیاری هستند که از شهرستان‌ها و نقاط دور کشور و گمنام هستند، به ما نامه می‌نویسند و درخواست کمک دارند و واقعا هم جرمی مرتکب نشده‌اند. همین‌جا از این تریبون استفاده می‌کنم و از مسئولان قضائی می‌خواهم با نگاه همدلانه که حق اعتراض را به رسمیت بشناسد، با این پرونده‌ها برخورد کنند و هنرمندان در حوزه سینما، تئاتر، موسیقی و... تیرنه شوند.